

**Studying North Korea's security behavior in foreign policy
From the perspective of James Rosena's "Continuity Theory".**

Mohammad Reza Dashiri¹
Massoud Akhshi²

Abstract

North Korea's nuclear test on October 9, 2006 was one of the important developments in East Asia, which has had important effects on the security of the East Asian region and international politics on the eve of entering the 21st century. Using Jamiz Rosena's theory of continuity in the form of historical-descriptive method, this article seeks to answer the question, what factors led to the adoption of a security approach in foreign policy by North Korea? The findings of the research show that according to James Rosena's theory of continuity, the set of internal and environmental factors respectively (characteristics of leaders, system, role, government, society) in the formation process of North Korea's security policy caused the said country to move towards self-help policy in the form of nuclear testing. slow The second question is also related to the consequences of North Korea's security policy, and the results of the research show that North Korea's nuclear policy has brought various consequences at the domestic, regional and international levels, the most important of which are: solving the problem of the survival of the North Korean political system, Increasing the number of nuclear weapon powers in the international system, increasing the US military presence in the region, weakening the international non-proliferation regime and finally changing the balance of power in favor of the China-Russia axis.

Key words: Juche ideology, principle of self-help, international system, China-Russia axis

¹ Professor of International Relations, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. **Mohammadreza-dehshiri@yahoo.com**

² Phd student of regional studies (Middle East), Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. **Masoud.akhshi.2016@gmail.com**

Knowledge of political interpretation

Vol 3, No 7, Spring 2021

ppt 135-172

دانش تفسیر سیاسی

سال سوم، شماره ۷، بهار ۱۴۰۰

صفحات ۱۳۵-۱۷۲

مطالعه رفتار امنیتی کره شمالی در سیاست خارجی از منظر "نظریه پیوستگی" جیمز روزنا

محمد رضا دهشیری^۱

مسعود آخشی^۲

چکیده

آزمایش هسته‌ای کره شمالی در نهم اکتبر سال ۲۰۰۶ از جمله تحولات مهم شرق آسیا بود که تأثیرات مهمی را به لحاظ امنیتی بر منطقه شرق آسیا و سیاست بین‌الملل در آستانه ورود به قرن ۲۱ در پی داشته است. این مقاله با استفاده از نظریه پیوستگی جیمز روزنا در قالب روش تاریخی - توصیفی در پی پاسخ به این سؤال است که چه عواملی منجر به اتخاذ رویکرد امنیتی در سیاست خارجی از سوی کره شمالی شد؟ یافته پژوهش نشان می‌دهد بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا مجموعه عوامل داخلی و محیطی به ترتیب (ویژگی شخصیتی رهبران، سیستمی، نقش، حکومتی، جامعه) در روند شکل‌گیری سیاست امنیتی کره شمالی باعث شده که کشور مذکور به سمت سیاست خودیاری در شکل آزمایش هسته‌ای حرکت کند. دومین پرسش نیز به پیامدهای سیاست امنیتی کره شمالی مربوط است و نتایج پژوهش بیانگر آن است که سیاست هسته‌ای کره شمالی پیامدهای مختلفی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه داشته است که اهم آن‌ها عبارت هستند از: حل مسئله بقاء نظام سیاسی کره شمالی، افزایش تعداد قدرت‌های دارنده سلاح هسته‌ای در نظام بین‌الملل، افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه، تضعیف رژیم بین‌المللی عدم اشاعه و در نهایت تغییر موازنه قوا به نفع محور چین - روسیه.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی جوجه، اصل خودیاری، نظام بین‌الملل، محور چین - روسیه

^۱ استاد روابط بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Mohammadreza-dehshiri@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای (خاورمیانه) دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

هر رفتاری از سوی هر دولتی در روابط بین‌الملل که در سیاست خارجی آن کشور تبلور می‌یابد حامل پیام‌ها، انگاره‌ها و معانی خاصی است که محصول شرایط محیطی داخل و خارج آن کشوری است. در سیاست بین‌الملل حوزه مطالعاتی معطوف به یافتن قانونمندی‌های رفتاری است که ساختار بازیگران و ساختار پویای قدرت را وصف می‌کند. به عکس، در حقوق بین‌الملل از رفتارهای قانونمند بحث به میان می‌آید، نه قانونمندی‌های رفتاری. در واقع موضوع دو رشته حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل نیز باهم تفاوت اصولی دارند، برخلاف علم حقوق بین‌الملل که هدفش مطالعه هنجارهای و بایدهای حاکم بر روابط بین‌الملل است، هدف علم روابط بین‌الملل مطالعه واقعیت‌ها (است‌ها) و به کلامی دیگر قانونمندی‌ها و هنجارهای رفتاری موجود مورد مطالعه است. در واقع بازی قدرت است که مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ چه آن وقایع (است‌ها) طبق مقررات و ضوابط باشند یا نباشند. به عبارت دیگر، موضوع روابط بین‌الملل قانونمندی‌های رفتار سیاسی در عرصه بین‌المللی، نه رفتارهای قانونی است (سیف زاده، ۱۳۸۹: ۱۰۹). کشور کره شمالی از لحاظ نظامی و استراتژیکی در طول تاریخ شرق آسیا به دلیل برخورداری از موقعیتی خاص به‌طور مستمر محور رقابت‌های قدرت‌های بزرگ اعم از چین، ژاپن، آمریکا و شوروی سابق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. به لحاظ تیپ‌شناسی رفتاری، کشور کره شمالی ویژگی‌های یک دولت یاغی^۱ را در روابط بین‌الملل داراست. اصطلاح دولت یاغی، دولتی است که استانداردهای رفتاری قابل قبول جامعه بین‌المللی را دائماً زیر پا می‌گذارد و از این‌رو دولت یاغی خوانده می‌شود (گریفیتس و تری اوکلاگان، ۱۳۸۸: ۵۳۸). این تصویر دولتی را به ذهن متبادر می‌سازد که رفتار بسیار تهاجمی در پیش گرفته است، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، بسیار سرکوبگر و بیگانه

¹Rogue State

هراس^۱، خودخواه^۲ بوده و هیچ ارزشی برای هنجارهای جامعه بین‌المللی^۳ قائل نمی‌شوند. در خصوص نوع رفتارهایی که جامعه بین‌المللی از آن به‌عنوان رفتار یاغیانه^۴ یاد می‌کنند، می‌توان به مواردی مانند گسترش جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیک، تلاش برای خریداری مواد لازم برای ساخت جنگ‌افزارهای هسته‌ای، قاچاق مواد مخدر، زیر پا گذاشتن معاهدات بین‌المللی، پشتیبانی از تروریسم، حمله به کشورهای همسایه یا دست زدن به تحریکات غیرضروری علیه آن‌ها و ساختن موشک‌های دوربرد اشاره کرد. نمونه یک رفتار یاغیانه آزمایش پرتاب موشک‌های دوربرد کره شمالی از فراز حریم مرزهای هوایی ژاپن در اواسط دهه ۱۹۹۰ است (گریفیتس، همان ۵۳۹). در سپتامبر ۲۰۰۴ کره شمالی اعلام کرد که به‌طور موفقیت‌آمیزی پلوتونیوم پردازش شده در راکتور یانگ‌بیون^۵ را برای ساخت بمب آماده کرده است. از آن به بعد، برنامه هسته‌ای کره شمالی در وضعیت ابهام‌آمیزی قرار گرفت تا اینکه در نهم اکتبر ۲۰۰۶ دست به آزمایش هسته‌ای زد (Davenport, 2020). در این مقطع نگرانی‌های همراه با شک و تردید قدرت‌های بزرگ دنیا و حدس و گمانه‌زنی‌های آن‌ها از ابعاد نظامی احتمالی^۶ در رابطه با برنامه هسته‌ای کره شمالی به‌یقین بدل گشت.

یک‌بار جهانیان از جنگ هسته‌ای در دهه شصت میلادی و واقعه مشهور خلیج خوک‌ها جان سالم به در برده است اما معلوم نیست بتوان به رهبر جوان کره شمالی امید داشت. اگرچه کارشناسان مسائل امنیتی و مقام‌های غربی اعلام کردند، تهدید به حمله اتمی از سوی کره شمالی به آمریکا که اخیراً مطرح شده است تنها لفاظی است اما نباید از این مسئله غافل بود که دولت کره شمالی به آرامی و به‌صورت قاطعانه در حال توسعه و ارتقای

¹enophobic

²Arrogant

³ Norms Of International Society

⁴ Rogue Behaviour

⁵Yong Byon.

⁶Probably Military Dimension(PMD)

ظرفیت‌های موشکی خود در سال‌های اخیر بوده است و مقام‌های آمریکایی نیز بر این باورند که موشک‌های این کشور ممکن است ظرفیت و قابلیت هدف گرفتن مناطق دورافتاده آمریکا و مناطقی چون گوام، آلاسکا و هاوایی را داشته باشد. از طرفی در حال حاضر پیونگ‌یانگ برای سوار کردن کلاهک هسته‌ای بر روی یک موشک بالستیکی و پرتاب آن به سوی واشنگتن، فناوری لازم را در اختیار داشته و پرتاب موشک و آزمایش‌های هسته‌ای در سال ۲۰۰۶ به بعد مبین این مهم است که این کشور توانایی‌های خود در این زمینه را افزایش خواهد داد. مهم‌ترین تحول در این روابط آمریکا و کره شمالی، حرکت دو کشور به سمت خصومت‌آمیز کردن فضا علیه یکدیگر بوده‌اند. از علت‌های اصلی این تحول، عدم اجرای توافقنامه ژنو ۱۹۹۴ از سوی دولت بوش (پسر) و اصرار کره شمالی به حرکت در مسیر سلاح‌های هسته‌ای است. در مقابل، کره شمالی مدعی شد که به دلیل خودداری آمریکا از اجرای موافقت‌نامه ۱۹۹۴، فعالیت‌های هسته‌ای خود را از سر گرفته است. کره شمالی در اقدامی تلافی‌جویانه، اعلام داشت که غنی‌سازی اورانیوم را از سر می‌گیرد و به میز مذاکره شش‌جانبه بازمی‌گردد و به توافقات قبل پایبند نیست. به موازات آن کره شمالی به دلیل عدم اعتماد به آمریکا، پیشبرد یک برنامه هسته‌ای مخفی را در دستور کار خود قرار داد. در سال ۲۰۰۴ سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) به اطلاعات و گزارش‌هایی در رابطه با همکاری عبدالقدیرخان دانشمند هسته‌ای پاکستان با مقامات کره شمالی و کمک به آن‌ها در ساخت سانتریفیوژها و حتی در اختیار قرار دادن طرح‌های ساخت بمب اتم به کره شمالی دست‌یافته بود. ظاهراً پاکستان درازای دریافت فناوری ساخت موشک‌های بالستیک از کره شمالی، فناوری هسته‌ای را در اختیار پیونگ‌یانگ قرار داده بود. دلیل اتخاذ چنین اقدامی از سوی مقامات اسلام‌آباد را می‌توان به عامل کاهش اهمیت استراتژیکی پاکستان نزد مقامات امنیتی - نظامی آمریکا پس از جنگ سرد و تضاد دائمی پاکستان و هند برشمرد (Norris&Kristensen, 2005:27).

کره شمالی در اولین اقدام از بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواست تا خاک این

کشور را ترک کنند. در دومین گام، در اواخر سال ۲۰۰۳ خروج خود را از پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای^۱ اعلام کرد. یک سال بعد یعنی در سپتامبر ۲۰۰۴ اعلام کرد به طور موفقیت‌آمیزی پلوتونیوم پردازش‌شده در راکتور یانگک بیون را برای ساخت بمب آماده کرده است. از آن به بعد، برنامه هسته‌ای کره شمالی وضعیت ابهام‌آمیزی قرار گرفت تا اینکه در نهم اکتبر ۲۰۰۶ دست به آزمایش هسته‌ای زد. در ادامه به تحلیل و بررسی مهم‌ترین علل و عوامل داخلی و بین‌المللی اقدام کره شمالی در آزمایش هسته‌ای در سال مذکور خواهیم پرداخت. در راستای پاسخ به سؤال اصلی و همچنین فرضیه این پژوهش مبنی بر وجود مجموعه عوامل تأثیرگذار داخلی و ساختاری نظام بین‌الملل در اتخاذ چنین رویکردی امنیتی در سیاست خارجی کره شمالی با استفاده از نظریه پیوستگی جمیز روزنا در قالب روش تاریخی - توصیفی به تحلیل علل اتخاذ چنین رویکرد امنیتی در روابط بین‌الملل و همچنین پیامدهای این سیاست در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی کره شمالی خواهیم پرداخت.

چارچوب نظری

در ارتباط با نظریه پیوستگی روزنا و سیاست خارجی دولت‌ها باید عنوان داشت که روزنا به شکل‌گیری الگوهای رفتاری واحدها از بعد پیوند بین ساخت داخل و محیط تأکید داشته و با توجه به پیوند بین محیط داخل و خارج به انواع متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری سیاست خارجی نیز توجه نموده است و بر اساس انواع مختلف جوامع به اولویت هر کدام از آن‌ها در شکل بخشیدن به سیاست خارجی آن‌ها پرداخته است وی قبل از هر چیز پنج دسته از متغیرها به عنوان عوامل شکل‌دهنده رفتارها در سیاست خارجی عبارت‌اند از:

۱. **ویژگی‌های فردی رهبران:** اولین مجموعه شامل خصوصیات منحصربه‌فرد تصمیم‌گیرندگان می‌شود. این متغیر همه جنبه‌های تصمیم‌گیرنده یعنی ارزش‌ها، استعدادها

¹Non- Proliferation Treaty (NPT)

و تجربیات پیشین فرد را شامل می‌شود که گزینه‌های سیاست خارجی و یا رفتار را از دیگر تصمیم‌گیرندگان متمایز می‌کند.

۲. **متغیر نقش:** مجموعه دوم از متغیرهای مربوط به رفتار خارجی، از نقشی که تصمیم‌گیرنده ایفا می‌کند ناشی می‌شود بدون توجه به خصوصیات شخصی ایفاکننده نقش.

۳. **متغیرهای حکومتی:** اشاره به ابعادی از ساختار حکومتی (اعم از اقتدارگرا یا دموکراتیک) دارد که انتخاب‌های سیاست خارجی را توسط تصمیم‌گیرنده محدود یا تقویت می‌کند. مثل تأثیر رابطه قوه مجریه و مقننه در سیاست خارجی نمونه‌ای از عملیاتی شدن متغیر حکومتی است.

۴. **متغیر جامعه:** این متغیر مربوط به حوزه اجتماعی است که شامل ابعاد غیر حکومتی یک جامعه است که بر رفتار خارجی تأثیرگذار می‌گذارند. برای نمونه می‌توان از سمت‌گیری ارزشی، وحدت ملی، جامعه مدنی قوی و میزان صنعتی شدن و ... نام برد؛ که در تعیین محتوای آرمان‌ها و سیاست خارجی یک کشور مشارکت دارند.

۵. **متغیر سیستمی (محیط بین‌المللی):** این متغیر شامل هر کنشی است که در خارج روی می‌دهد مربوط به نوع توزیع قدرت در نظام بین‌الملل و در واقع ساختار و الزامات نظام بین‌الملل اشاره دارد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۶-۴۴۵). می‌توان بیان داشت که امکان ایجاد فرصت بازیگری برای قدرت‌های کوچک در نظام چندقطبی بیشتر از تک‌قطبی هژمونیک است یا عامل تحمیلی بر گزینه‌های تصمیم‌گیرندگان را مشروط می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر روزنا میزان نفوذ هر یک از عوامل فوق به پنج عامل بستگی دارد:

- قدرت بازیگر که کشورها را به دسته بزرگ و کوچک تقسیم می‌کند.
- وضعیت اقتصادی بازیگر که کشورهای توسعه‌یافته از توسعه‌نیافته جدا می‌کند.
- ماهیت باز و بسته ساختار اجتماعی
- رخنه‌پذیری و یا رخنه‌ناپذیری ساختار فرهنگی
- حوزه‌های موضوعی مختلف (منزلی، مادی، حیثیتی) (Rosenau, 1971: 110).

بنابراین، جیمز روزنا بر این اعتقاد است که ویژگی‌ها و رفتار هر نظام اجتماعی در هر لحظه‌ای از زمان، محصول سنت فرهنگی و محیط‌های متغیر داخلی و خارجی است. به عبارت دیگر، گزینه‌ها و دایره انتخاب و فعالیت تصمیم‌گیرندگان تحت تأثیر هنجارهای فرهنگی، سوابق و سنت‌های تاریخی، تقاضاها و درخواست‌هایی که از هر دو نظام داخلی و خارجی نشئت می‌گیرد (همان: ۱۶). روزنا از تعامل وضعیت بحرانی یا آرام محیط داخلی با محیط خارجی چهار نوع چارچوب محیطی جهت اجرای سیاست خارجی به وجود می‌آید: عادی، سرزنده، باتدبیر و مدل متشنج که مدل انتخاب‌شده برای کره شمالی است. تمایز ملت‌ها بر اساس توسعه سیاسی و اقتصادی از جمله مواردی است که بر نوع رفتار خارجی آن ملت تأثیر می‌گذارد.

رده‌بندی متغیرهای دخیل در سیاست خارجی در نظریه جیمز روزنا

کشورهای کوچک		کشورهای بزرگ				جغرافیا و منابع طبیعی
توسعه نیافته		توسعه یافته		توسعه نیافته		وضعیت اقتصادی
بسته	باز	بسته	باز	بسته	باز	وضعیت سیاسی
فرد	فرد	نقش	نقش	فرد	فرد	نقش
نظام‌بین الملل	نظام‌بین الملل	نظام‌بین الملل	نظام‌بین الملل	نقش	نقش	فرد
نقش	نقش	فرد	جامعه	حکومت	حکومت	جامعه
حکومت	جامعه	حکومت	حکومت	نظام‌بین الملل	نظام‌بین الملل	نظام‌بین الملل
جامعه	حکومت	جامعه	فرد	جامعه	حکومت	جامعه
غنا	کنیا	چکسلواکی سابق	هلند	چین	هند	شوروی سابق
						آمریکا

به نظر روزنا رهبران کشورهای عقب مانده، با طرح خصومت و دشمنی محیط خارجی در بیشتر موارد به جای بیان کردن به نیاز به کار سخت، شکیبایی و بردباری بهتر قادرند تا به غلبه بر شورش‌ها و طغیان‌های داخلی برسند. آنان سعی می‌کنند مشکلات داخلی خود را با طرح آن‌ها در حوزه سیاست خارجی حل نمایند. در نهایت در الگوی متشنج، شرایطی است که در آن تغییرات داخلی و خارجی در سطح بالایی قرار دارند و رهبران حکومتی بایستی سریعاً به تقاضاهای داخلی و فشارهای خارجی پاسخ مناسب دهند. این الگو خود سرچشمه اولیه تنش در سیستم بین‌المللی است (Rosenau, 1971:45). مطابق مدل جمیز روزنا در جدول فوق‌الذکر عوامل تأثیرگذار بر نحوه‌ی شکل‌گیری سیاست خارجی امنیتی کره شمالی با ویژگی‌هایی چون کوچک بودن، عقب‌ماندگی اقتصادی، به لحاظ سیاسی بسته و سرشت فرهنگی رسوخ‌ناپذیر شناخته می‌شوند که به ترتیب متغیرهای تأثیرگذار در شکل‌گیری و جهت‌گیری سیاست خارجی آن عبارت‌اند از: ویژگی‌های فردی رهبران، عوامل سیستمی (ساختار نظام بین‌الملل)، متغیر نقشی، حکومتی و عوامل اجتماعی.

عوامل تأثیرگذار محیط داخلی در رفتار کره شمالی (مقدورات ملی)

در رویکرد خرد به رفتار سیاست خارجی دولت‌ها مفروضه اساسی در سطح خرد از نگاه تحلیلی، از وجود کشورهای مختلف با سیاست خارجی متفاوت ناشی است. تفاوت در مقدورات ملی، خود شاخصه‌ای متمایزکننده را به وجود می‌آورد که به طرق گوناگون بر چگونگی رفتار سیاست خارجی کشورها تأثیر می‌گذارد. در این مطالعه سعی شده با استفاده از روش تلفیقی خرد-کلان به تبیین سیاست امنیتی خوداتکا کره شمالی پرداخته شود. نکته مهم در زمینه مقدورات ملی و داخلی حقانیت سیاسی رژیم‌ها، به‌ویژه در مورد مقبولیت مردمی از یک‌سو و آگاهی مهارت رهبران آن از سوی دیگر زمینه‌ساز این همت والا و آمادگی ملی است. علاوه بر آمادگی در عرصه داخلی، اهداف باید با هنجارهای بین‌المللی سازگار باشند و یا ملت- دولت توان سازگار کردن محیط را با اهداف خود داشته باشند. تجربه نشان داده است فقط قدرت‌های فائده‌چین توان و قدرتی را آن‌هم

به‌طور نسبی و نه مطلق دارا هستند، فقط این کشورها هستند که می‌توانند محذورات بین‌المللی را کاهش و مقدورات داخلی خود را افزایش دهند (سیف زاده، ۱۳۸۹: ۲۹۲) و ضمن کاهش آسیب‌پذیری‌ها به افزایش توان ملی و بازی قدرت در عرصه بین‌المللی همت گمارند؛ اما نکته مهم این است که هیچ کشوری در عرصه بین‌المللی نه صد درصد مختار و مستقل و نه صد درصد مجبور و وابسته است؛ به‌رحال موفقیت در عرصه سیاست خارجی نیازمند توجه به قواعدی است که هم محذورات محیطی و هم مقدورات کشوری را به نمایش گذارد. در زمینه توصیف و بررسی رفتار امنیتی خوداتکا کره شمالی در سیاست خارجی توجه به هر دو حوزه داخلی و خارج از رهگذر تحلیل سیاست امنیتی کره شمالی در سطح بین‌الملل مورد توجه است. در میان مکاتب امنیتی جهان سوم، مکتب امنیت خوداتکا جهت توصیف عوامل داخلی تأثیرگذار در رویکرد امنیتی کره شمالی مناسب دانسته شده که پوشش‌دهنده عوامل چهارگانه ذکر شده در نظریه پیوستگی روزنا است. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های نظام سیاسی کره شمالی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

رویکرد خوداتکایی

رویکرد خوداتکایی^۱ به معنای تکیه بر امکانات اقتصادی و نظامی سایر کشورها در خصوص مواردی است که برای حیات ملی ضروری‌اند و بر جنبه‌های غیرمادی قدرت تأکید دارد. از نظر مروجان این ایده، خوداتکایی در سطح ملی در خدمت ملی و در برابر تهدیدهای خارجی قرار دارد. از سوی دیگر معیاری برای ارزیابی سایر جزئیات تشکیل‌دهنده امنیت ملی اعم از نیروی نظامی و ظرفیت‌های اقتصادی است. طرفداران خوداتکایی این‌گونه استدلال می‌کنند که امنیت ملی زمانی به خطر می‌افتد که کشور نتواند سرنوشت خود و رفع نیازهایش را از دیگر کشورها در اختیار داشته باشد. از سوی دیگر آن‌ها می‌گویند که برای مصون‌سازی کشور و مردم از ناحیه تهدیدهای خارجی به چیزی بیش از قدرت نظامی و اقتصادی نیاز است. این مسئله، بسیار به توان و خواست مردم برای

¹Self-Reliance

مقاومت در برابر سلطه قدرت‌های خارجی بستگی دارد. طرفداران ایده خوداتکایی بر این نظرند که چون کشورهای جهان سوم توان تولید سلاح‌های لازم و اقتصاد مناسب را به‌منظور پشتیبانی نظامی در اختیار ندارند بنابراین در چارچوب این ایده، می‌توانند خلأ موردنظر را با احساس تعهد قوی ایدئولوژیک یک شهروندان و سربازان جبران کنند؛ برای این منظور، راه‌اندازی ارتش مردمی را به‌عنوان یک کالای قدرت در برابر توانمندی‌های تکنولوژیک دشمن مطرح می‌کنند و از سوی دیگر، بر ضرورت اجتناب‌ناپذیر خودکفایی در زمینه‌های پایه، از جمله مواد غذایی استراتژیک تأکید دارند (خانی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). در همین راستا در زمینه نظامی و بسیج مردمی، شعارهای موجود در این کشور نشانه‌هایی از وجود تمایلاتی بین مردم و حکومت کره شمالی در راستای تأمین امنیت کشور خود از طریق امنیت خوداتکا با توجه به آموزه‌های واقع‌گرایی و اصل خودیاری در روابط بین‌المللی حکایت دارد. این فهرستی از مهم‌ترین آموزه‌ها و شعارهای مردم کره شمالی است که با رویکرد خوداتکایی و خودیاری هماهنگی بیشتری دارد (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۷۴: ۶۸).

با نگاه خوداتکایی و ویژگی‌هایی چون ارتش خود را به نیروهای مسلح رهبر و حزب تبدیل کنیم، جملگی برای حفظ حزب بمب و اسلحه شویم، تمامی مردم کره شمالی به اعضای ارتش خلقی عشق ورزیده و از آن‌ها مراقبت می‌کنند، جهت مسلح نمودن تمامی مردم و مستحکم نمودن کشور باید با رهنمودهای حزب به‌پیش برویم، دیکتاتوری دموکراتیک مردمی را به اجرا درمی‌آوریم تا توطئه‌های شوم دشمنان درهم شکسته شود، آنچه حزب در مورد آن تصمیم بگیرد را انجام دهیم، سرنوشت خود را با سرنوشت حزب یکی بدانیم و از رهبر خود پاسداری کنیم و در نهایت تا آخر از امپریالیسم نفرت داشته باشیم و سرسختانه علیه آن بجنگیم (همان: ۳۶-۳۷). به گفته حامیان این ایده، خوداتکایی با برخی ایده‌ها تقویت می‌گردد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از تجربه استعمار یا دیگر اشکال سلطه خارجی. این ایده با ترسیم وضعیتی اسفناک باعث تقویت حس استقلال‌خواهی و افزایش انگیزه به جهت عدم تحقیر ملی می‌شود (خانی، همان: ۱۵۱). در خصوص کره شمالی

شواهدی از استعمارگری قدرت‌های منطقه‌ای علیه این کشور را می‌توان مشاهده کرد، کشورهایی چون چین و ژاپن سعی در سلطه کامل بر این کشور داشته‌اند؛ کما اینکه ژاپنی‌ها کوشش می‌کردند که در زمینه‌های مختلف سیاسی، آموزشی و کشاورزی کره شمالی را به‌طور کامل تحت حاکمیت خود درآورند. کره شمالی پیش‌ازین نیز در اوایل قرن هفدهم تابع و مطیع دولت چین بود و چون هیچ‌گونه رابطه‌ای با کشورهای خارجی نداشت به "مملکت پادشاهی منزوی" معروف شد (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۷۴: ۹۳). پدر رهبر فعلی کره شمالی بر سیاست "سانگون" تأکید داشت که بر پایه آن توسعه نظامی ارتش کره مقدم بر هر چیز دیگری است. سوگون همچنین معنای ایدئولوژیک دارد که در سال ۱۹۹۴ کیم جونگ ایل رواج داد و تأکید بر این امر دارد که ارتش مردمی بر کلیه جنبه‌های دیگر دولت و جامعه برتری دارد لذا تولید سلاح هسته‌ای در راستای چنین سیاستی است (نیازمند، ۱۳۹۸: ۸۴).

برای دولت‌های برآمده از عصر استعمار غرب، به سلاح‌هایی مخرب بیش از یک ابزار می‌نگرند. هسته‌ای شدن کره شمالی در قالب نسل دوم سلاح‌های هسته‌ای که گسترش آن توسط کشورهای ندار^۱ صورت می‌گیرد سمبل قدرت و استقلال تصور می‌شود و شاید یکی از راه‌های بقا در سیستم قدرت محور همراه با یادمان تلخ گذشته استعماری همچون اکثر کشورهای نوین است. از جمله ویژگی‌های نسل دوم کشورهای هسته‌ای در فضای جهانی شدن عبارت‌اند از آسیایی بودن اکثر کشورهای نوظهور هسته‌ای (کره شمالی، هندوستان، چین، پاکستان) و ضعف بنیه مالی کشورهای هسته‌ای عصر دوم نسبت به نسل اول (Bracken, 2003, 391-413).

موقعیت ژئوپلیتیک: چنانچه اطراف کشور موردنظر را کشورهای متخاصم تحت حمایت یک قدرت متخاصم خارجی فراگرفته باشد، ایده خوداتکایی بیشتر تقویت می‌شود (خانی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). در رابطه با کره شمالی و موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور می‌توان به

¹Havent,s

کشورهای همسایه این کشور مانند کره جنوبی و ژاپن اشاره داشت که با آن‌ها روابط تیره‌ای دارد و هر دو مورد حمایت ایالات متحده آمریکا هستند (همان: ۱۵۱). جامعه طبقاتی کره شمالی در یک سیستم واحد طبقه‌بندی شده کاستی به نام سنگ‌بون به سه طبقه اصلی هسته، مردد، متخاصم تقسیم می‌شوند. نهاد سنگ بون بدان معنی است که طبقه هر شهروندی کره‌ای و رتبه‌بندی سیاسی - اجتماعی‌اش از بدو تولد و بر اساس خانواده‌ای که به دنیا می‌آید به وی نسبت داده می‌شود و هیچ شهروندی بر سنگ بون خود کنترلی نداشته درحالی که سنگ بون بر تمام جوانب زندگی‌اش تأثیر دارد (HRNK, 2016). در واقع در کره شمالی به دلیل وجود نظام کاستی طبقاتی در طبقه واحد مانع عمده‌ای در شکل‌گیری تضاد طبقاتی است که می‌تواند عامل سد کننده استبداد حکومتی و تکوین جامعه مدنی و محدود کردن دولت باشد تحقق نیافته است (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۴).

غرور ملی و پیشینه تاریخی و باستانی: داشتن عظمت ملی و سابقه تاریخی امپراتوری خود نیروی جبران‌کننده کالای قدرت است و انگیزه‌های کشور را برای پیگیری ایده خوداتکایی تقویت می‌سازد.

عطش استقلال سیاسی: کشورهایی که انگیزه‌های بالایی برای برخورداری از استقلال سیاسی و حساسیت بسیاری به این مسئله دارند، از زمینه مساعدتری برای برانگیختن ایده خوداتکایی برخوردارند (خانی، ۱۵۲). حامیان ایده خوداتکایی بر این باورند که پیگیری این ایده منجر به برخی کاستی‌های اقتصادی و معیشتی در زندگی مردم و در نتیجه، تضعیف بالقوه موقعیت این کشورها خواهد شد. برای این منظور و به جهت برخورداری از حمایت‌های مردمی به‌عنوان کالای قدرت جانشین می‌یابد برخی برنامه‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌ها طراحی شوند و به مرحله اجرا درآیند (ر.ک چونگ - مون، ۱۳۷۹: ۳۹-۶۵).

مهم‌ترین سیاست‌ها و الزامات سیاست خوداتکایی کره شمالی

در ادامه به مهم‌ترین سیاست‌ها و الزامات سیاست خوداتکایی کره شمالی اشاره می‌شو:

ایدئولوژیک کردن کشور: انتخاب یک ایدئولوژی رسمی و از طریق آن، آموزش مردم، بسیج توده‌ها و سیاسی آن‌ها و درنهایت، ایجاد فرهنگ سیاسی حامی رژیم در چهارچوب این محور برای توسعه ایده خوداتکایی است (خانی، همان: ۱۵۰). ایدئولوژی جوچه^۱ (سیاست اتکا به خود) فلسفه سیاسی حاکم بر کشور کره شمالی است که از اواخر دهه ۱۹۶۰ توسط پرزیدنت کیم ایل سونگ به‌عنوان یک سیستم فکری و ایدئولوژیکی طرح و توسعه یافت. جوچه (خودکفایی) در واقع تلفیقی است از مارکسیسم، ناسیونالیسم و اومانیسیم که هدف آن ایجاد جامعه اشتراکی منضبط متکی بر خود درراه سازندگی کشور و تربیت افراد است. بر اساس این ایدئولوژی که مبتکر آن کیم ایل سونگ است کشورهای کمونیستی موظف‌اند بر مبنای ویژگی‌های فرهنگی و ملی خود، راه کمونیست را طی نموده و تبعیت از روش‌های کشورهای دیگر، روشی ناپسند و منفور به شمار می‌آید. رهبران کره شمالی به تدریج این مشی را به‌عنوان اصول مذهبی و اعتقادی مردم درمی‌آورند و به‌صورت آیین مقدسی به مردم آموختند. در این راستا داده‌های سیاست خارجی بر اساس ویژگی‌های ساختاری و مختصات نظام ایدئولوژیک و آموزه‌های آن تعبیر و تفسیر می‌شود از آنجاکه سیاست خارجی دولت‌ها دنباله سیاست داخلی آن‌ها است، بنابراین مختصات نظام سیاسی به‌ویژه وجه ایدئولوژیکی نقش مؤثری در شیوه تبیین منافع و استراتژی‌ها و اهداف ملی ایفا می‌کند (قوام، ۱۳۸۸: ۲۹۲).

سلطه رسانه‌ای: در این زمینه، خود دولت روزنامه منتشر می‌کند، رسانه‌ها را تحت کنترل می‌گیرد و به بخش خصوصی اجازه فعالیت گسترده نمی‌دهد (خانی: همان، ۱۵۳). در کره شمالی اعم از رادیو، تلویزیون گرفته تا مطبوعات از طرف دولت و حزب کارگران کنترل می‌شود. کمیته سخن پراکندگی و موسسه رادیو و تلویزیون بر کلیه فعالیت‌های رادیو و تلویزیون نظارت و کنترل دارد. در کره شمالی هیچ‌گونه موسسه یا سازمان انتشاراتی خصوصی وجود نداشته و تمامی آن‌ها دولتی هستند. برنامه‌های تلویزیونی به زبان کره‌ای

¹Juche

اجرا گردیده و دولت کنترل کاملی بر این شبکه‌ها دارد (دفتر مطالعات، همان: ۵۴). همچنین در حوزه نشریه‌ها و مطبوعات، نشریه جوسن این مینگون^۱ (چاپ پیونگ‌یانگ) تأسیس ۱۹۴۸ این نشریه به ارگان ارتش تعلق دارد. نشریه مینجوسن^۲ تأسیس ۱۹۴۸، این روزنامه وابسته به ارگان دولت است. نشریه کلوجا^۳ (چاپ پیونگ‌یانگ) تأسیس ۱۹۴۶ این مجله وابسته به ارگان رسمی حزب کارگران است (همان: ۴۵). در اتاق‌های مجتمع‌های مسکونی، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، مزارع و فضای آزاد شهر بلندگوهای نصب شده که برنامه‌های رادیو را پخش می‌کند. برنامه‌ها اکثراً نظر دولت در رابطه با پیشرفت‌های صنعتی، کشاورزی و علمی کشور را دربر می‌گیرد (همان: ۵۴). در همین رابطه سیاست سانگون^۴ یکی از ابعاد مهم نظام سیاسی این کشور است که قدرت و توان نظامی و تأکید بر صیانت از میهن یا استفاده از قدرت عالی نظامی است. در این راستا، کلیه امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جامعه متناسب با سیاست‌های دفاعی تنظیم می‌شود. چنین سیاستی در کره شمالی به سیاست سانگون یا اول - نظامی مشهور است (DPR of Kiorea 2020:1).

انقباض سیستمی

حالتی که حکومتی متکی بر ایده خوداتکایی باید خود را از جهان خارج جدا سازد و سعی کنند مانع از تماس مردم با دنیای خارج شوند و بدین ترتیب، آن‌ها را جامعه‌پذیر تر سازند، از سوی دیگر، حکومت‌ها می‌باید تبادلات فرهنگی و اطلاعاتی آحاد ملت را با خارج از کشور به‌ویژه زمانی که با ایدئولوژی حاکم تناقض دارد محدود سازند (خانی: ۱۵۴). بنابر گفته دولت آمریکا شهروندان کره شمالی اجازه عبور و مورد آزادانه چه در داخل و چه سفر به خارج از کشور را ندارند. این کشور دیکتاتوری‌ترین کشور جهان در فهرست واحد اطلاعات اکونومیست است (Davenport, 2020). تاکنون بین ۷۰۰ هزار تا سه میلیون و

¹JosonInmingun

²Minu, Choson

³Kulloja

⁴ Songun (military-first)

پانصد هزار نفر در این کشور اعدام شده‌اند. اعدام می‌تواند به دلیل یک تماس تلفنی ساده با خارج از کشور یا احتکار مواد غذایی صورت گیرد (Asriran, 2014).

حکومت پلیسی: کنترل تهدیدها و مهار آن در چارچوب ایده خوداتکایی نیازمند تنبیهات سیاسی، پالایش سیاسی و بعضاً تفتیش عقاید است (خانی، همان: ۱۵۵). در زمینه احزاب و جامعه سیاسی کره شمالی باید اذعان کرد که این کشور با سیستم (تک‌حزبی) اداره می‌شود. قدرت اصلی از زمان تأسیس در سال ۱۹۴۸ در اختیار حزب کارگران کره بوده است و دو حزب چوندوئیست چونگو و حزب سوسیال دموکرات هم در کشور فعال هستند که تحت کنترل حزب حاکم قرار دارند. عالی‌ترین نهاد شورای دفاع ملی است که کیم جونگ اون ریاست آن را بر عهده دارد (Central Intelligence Agency, 2009). کره شمالی همه شاخص‌ها و ویژگی‌های یک کشور سرکوبگر و دیکتاتوری و عقب‌مانده از لحاظ توسعه نهادهای سیاسی مشارکتی مردم‌نهاد است. در واقع مصداق بارز تسلط ایده خوداتکایی در حیات یک کشور کره شمالی فعلی است. قبلاً نیز آلبانی و در گذشته دورتر و در دوران مائو چین نیز در این قالب قرار می‌گیرند (خانی، همان: ۱۵۳).

متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی کره شمالی

در ادامه به تحلیل روند سیاست‌گذاری خارجی کره شمالی به عوامل شخصیت فردی تصمیم‌گیرندگان، عامل نقش، نوع حکومت و عوامل اجتماعی اشاره خواهد شد.

متغیر فرد

افراد تصمیم‌گیرنده و ویژگی‌های شخصی آنان تأثیر زیادی بر سیاست خارجی کشورها داشته در واقع چگونگی تفسیر نقش و پست افراد و خصوصیات فردی و شخصیتی در درجه اول به تفسیر مضیق از پست و جایگاه خود، گسترده و دامنه‌گزینه‌ها و اقدامات خود را محدود می‌کند و دیگری با تفسیر مضیق از جایگاه و اختیارات مجال ظهور بروز انتخاب گزینه‌ها و سیاست‌های وسیع‌تر را برای خود فراهم می‌سازد بستگی دارد بنابراین شخص دارنده نقش و پست اگر بر محتوای سیاست خارجی تأثیر نگذارد دست کم بر چگونگی

اعمال و اجرای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دهقانی فیروزآبادی؛ ۱۳۹۱:۷۵). رفتار سیاسی دولتمردان با این اصل عمومی معنا می‌یابد که فهم و درک رفتارهای سیاسی دولتمردان و ملت‌ها نیازمند آگاهی یافتن نسبت به تاریخ، سنن و فرهنگ کشور آن است. پس از کیم‌سونگ ایل، کیم جونگ ایل که فاقد کاریزمای پدر است، زمام امور را در دست می‌گیرد و به استبداد روی می‌آورد. در کره شمالی بر اثر قحطی نزدیک به دو میلیون انسان از گرسنگی جان می‌بازند. جونگ با زیرکی از پذیرش عنوان رئیس‌جمهور اجتناب می‌ورزد و پدر خود را «رئیس‌جمهور جاودانه» می‌خواند. وی تا سال ۱۹۹۷ با عنوان دبیر کل حزب حاکم کارگران کره و از آن‌پس در سمت رئیس کمیسیون دفاع ملی بر سرزمین خود حکومت می‌کند. او هیچ مخالفتی را بر نمی‌تابد و مشاورانش قادر به انتقاد از عملکرد وی نیستند.

آن‌گونه که ماکس وبر مطرح می‌کند، مشروعیت دولت‌ها بر سه نوع است: سنتی، کاریزماتیک و قانونی. هر یک از دولت‌ها یک یا ترکیبی از این انواع را برای حفظ اقتدار خود در جامعه در اختیار می‌گیرند. مفهوم جهان توسعه‌نیافته درجایی معنا می‌یابد که با استفاده از مشروعیت سنتی به جای مشروعیت قانونی، اقتدار خود را حفظ می‌کند. مشروعیت سنتی در گذشته ریشه دارد، گذشته‌ای که ابدی است و صاحب نوعی تقدس است. در این چارچوب آنچه اقدامات دولت را مشروع می‌سازد، قانون وضع شده توسط نمایندگان مردم و حتی محبوبیت رهبران حاکم نیست. بلکه سنت‌ها و رسوم پدرسالارانه‌ای هستند که حیات دولت را مشروعیت می‌بخشند. (بشیریه، ۱۳۹۳: ۶۰-۵۴)

پس از فوت کیم ایل سونگ^۱، کیم جونگ ایل^۲ در تاریخ ۱۰ جولای ۱۹۹۴ از طرف پیونگ‌یانگ به‌عنوان رهبر کره شمالی معرفی شد و از سال ۲۰۱۲ در پی مرگ کیم جونگ ایل رهبری این کشور در اختیار پسر وی کیم جونگ اون^۳ قرار گرفت. آنچه به کیم جونگ

¹ Kim III Song

² Kim Jong III

³ Kim Jong Un

ایل قابلیت می‌بخشد تا در یک چارچوب استبدادی بتواند به حیات سیاسی خود ادامه دهد، سازگاری جهان‌بینی کمونیستی در کنار تقدس بخشی به حکومت موروثی در یک بستر فرهنگی متأثر از آموزه‌های کنفوسیوس فیلسوف چینی است. به‌هر حال کره شمالی همچنان یک جامعه کشاورزی است و سنت‌های کنفوسیوسی حتی اگر به صورت خودآگاه بدان معتقد نباشند، به بهترین نحو بر زندگی ساکنان آن منطبق می‌شوند و کیم جونگ ایل به بهترین نحو از این فرهنگ سنتی برای مشروعیت بخشی به حکومت مستبدانه خود استفاده می‌کند. تقدس اولیاء و بزرگداشت نیاکان در فرهنگ سیاسی این جامعه ریشه دوانده است. به همین علت وقتی کیم جونگ ایل از پذیرش عنوان رئیس‌جمهور خودداری کرده و پدرش را رئیس‌جمهور جاودانه وطن می‌خواند، اقدامی کاملاً ارزشی و مورد تحسین در جامعه کره شمالی انجام داده است. بیش از ۳۵ هزار بنای یادبود از کیم ایل سونگ در کره شمالی ساخته شده است که شهروندان در مقابل آن‌ها سر تعظیم فرود می‌آورند. همه تصویر کیم ایل سونگ را به صورت سنجاق‌سینه بر یقه خود چسبانده‌اند و روزنامه‌هایی که عکس او روی آن‌ها چاپ شده دور انداخته شوند! (شفر، ۱۳۸۶: ۱۳). بنابراین کیم ایل سونگ ابتدا با بهره‌گیری از فرهنگ کنفوسیوسی برداشت‌های خود را از ایدئولوژی کمونیسم به‌عنوان یک جهان‌بینی جدید در کره شمالی مقبولیت بخشید؛ در مرحله دوم وی به دلیل چهره محبوب خود به‌عنوان یک چریک مردمی مشروعیتی کارزماتیک و بلامنازع را تقدیم فرزند خود کیم جونگ ایل کرد و در مرحله سوم این کیم جوان است که در بستر سنن تاریخی سرزمینش، از پدر چهره‌ای مقدس فراهم ساخته تا در لوای آن بتواند حکومت موروثی خود را مشروعیت بخشد. بدون شک هیچ انسانی استبداد حاکمان را بر نمی‌تابد. وجه دیگر استبداد، مردمی هستند که به دلیل آموزه‌های فرهنگی، سنن و آداب قدیمی در ناخودآگاهشان استبداد را باجان و دل پذیرا می‌شوند.. کیم جونگ ایل سومین پسر کیم جونگ ایل است. رهبر جدید کره شمالی که با لقب وارث کبیر جانشین پدر شد قبل از رسیدن به مقام رهبر کره شمالی دبیر اول حزب کارگران کره، ریس کمیسیون دفاع ملی

را بر عهده داشت که در زمان به قدرت رسیدن با ۲۸ سال سن جوان‌ترین رییس کشور در جهان بود. وی در قیاس با پدر و پدربزرگش رفتار خشن‌تری را در داخل و سیاست ستیزه‌جویانه‌تری را در خارج در پیش گرفته است. در دوران حکومت وی نه تنها وضعیت کره بهبود پیدا نکرد که بدتر هم شد. عده‌ای این رفتارهای خشن را کمبود اعتماد به نفس در وی توصیف کرده‌اند. یون بیونگ‌سی، وزیر خارجه کره جنوبی ادعا کرد کیم جونگ اون از زمان به قدرت رسیدن تا پایان ماه ژوئن ۲۰۱۵ اقدام به اعدام ۷۰ تن کرده است (ر.ک شوفر، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۳).

متغیر نقش: از آنجایی که تأثیرگذاری متغیرهای فردی بر تصمیمات بحرانی بیشتر از تصمیمات عادی و برنامه‌ریزی شده است، تصمیم‌گیرندگان در زمان بحران با تهدید شدید و غافلگیری و محدودیت زمانی جهت پاسخگویی مناسب روبه‌روست در چنین شرایطی به علت عدم وجود پاسخ‌ها و سیاست‌های از پیش تعیین و برنامه‌ریزی شده و ضرورت پاسخ موردی و خاص نقش افراد مؤثرتر است، زیرا محدودیت زمانی و فشار تهدیدها در شرایط و زمان‌های بحرانی، بیشترین مسئولیت را بر دوش رهبران و تصمیم‌گیرندگان در سطح ملی می‌گذارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۷۵). لذا طبق اصول ۱۰۰ تا ۱۰۵، کمیسیون دفاع ملی به‌عنوان عالی‌ترین قدرت نظامی کشور با افزایش اختیارات ریاست جمهوری (ابدی) که در شخصیت کیم ایل‌سونگ به‌عنوان مؤسس نظام کره شمالی تبلور یافته، اعلان جنگ و صلح و امور امنیتی کشور را که تا قبل از این بازرنگری به عهده مجمع عالی خلق بود از وظایف رئیس کمیسیون دفاع ملی (رهبر) گردید. همچنین در قانون اساسی تجدیدنظر شده آمده است که کیم‌جونگ ایل رهبر سابق پیونگ‌یانگ سرزمین پدری ما را به یک کشور شکست‌ناپذیر با یک ایدئولوژی سیاسی قوی و یک کشور هسته‌ای قدرتمند تبدیل شده است لذا تصمیم‌گیرنده نهایی در زمینه امنیتی و هسته‌ای بر عهده رهبر کشور است. رهبران کره شمالی همواره از طریق انتخاب مجدد از طرف مردم، همواره رئیس‌جمهور کشور بود و تمامی پست‌های حساس ریاست کمیسیون دفاع ملی، فرماندهی کل نیروهای مسلح و

دبیر کلی حزب کارگران را بر عهده داشت (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۷۴: ۷۰). با نگاه به دوران حکومت هر سه رهبر کره شمالی کیش شخصی اقتدارطلبانه آن‌ها به‌ویژه در دوران کیم جونگ ایل که از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۱۲ که پسرش کیم جونگ اون مسند قدرت را در دست بگیرد این روحیه تمامیت‌خواهی با شدت بیشتری دنبال شد. به شکلی که در دوران کیم جونگ ایل در سال ۲۰۰۶ بود که این کشور به ساخت سلاح اتمی اقدام کرد. در دوره کیم جونگ اون نیز سیاست سرکوب در داخل و ادامه آزمایش‌های موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای در سطح جدیدی ادامه یافت به‌طوری‌که طبق گزارش اطلاعاتی از کره شمالی در دوره اون نزدیک به ۱۳۰ هزار نفر در زندان یا اردوگاه‌های کار اجباری در شرایط مخوفی زندگی می‌کنند و نزدیک به ۳۰ هزار نفر از سوءتغذیه در زندان جان خود را ازدست‌داده‌اند. در اوایل حکومت کیم جونگ اون در سال ۲۰۱۲ نزدیک به ۱۷ نفر درملاعام اعدام شدند. در این دوره اون در خطابه‌های خود سیاست کره شمالی را همواره بر بهره‌گیری از برنامه‌های موشکی به‌عنوان اهرم چانه‌زنی در نظام بین‌الملل دو در ارتباط با قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا اشاره داشته است. در دوره اون راکتور یانگ‌بیون دوباره راه‌اندازی شد و این نیروگاه توانایی غنی‌سازی و تولید ۱۳/۱۲ تن پلوتونیوم در سال به‌منظور تولید یک کلاهک هسته‌ای بیشتر در هر سال نسبت به سال ای قبل را فراهم می‌کرد. در دوره اون ارتقا توان هسته‌ای (قدرت سخت) هم‌زمان با تقویت تبلیغات رسانه‌ای (قدرت نرم) و القای برنامه هسته‌ای به‌عنوان سپر دفاع از ملت و اصرار بر آنکه نباید به‌سادگی سلاح هسته‌ای جزء موضوع مذاکرات بین‌المللی قرار گیرد چون که با امنیت و بقاء ملت گره‌خورده است. در سال ۲۰۱۳ اون تأکید کرد که سلاح هسته‌ای ضامن صلح رونق اقتصادی و زندگی شاد ملتمان است (Telegraph, 2014).

متغیر حکومتی: در قانون اساسی جمهوری خلق کره اصل خاصی در ارتباط با سیاست خارجی نیامده است. از این‌رو نقش نهادهای حکومتی در سیاست خارجی کره شمالی به‌ویژه نقش قوه مقننه طی اصول ۸۷ تا ۹۹ مجمع عالی خلق عالی‌ترین ارگان کشور در

زمینه قانون‌گذاری است (DPRK:1998). علاوه بر عواملی چون نقش رهبران اقتدارطلب و دارای اختیارات نامحدودشان به همراه بستر شکل‌گیری شخصیتی رهبری این کشور که تحت محیط‌های خاص نظامی و طبقاتی به همراه آموزه‌ای سوسیالیستی شکل گرفته، نوع حکومت سوسیالیستی متمایل به ناسیونالیستی افراطی اقتدارطلب که تحت حمایت‌های حزب واحد قدرتمند کارگران کره و ارتش خلق از سال ۱۹۴۸ که نقش دیوانسالاری و بوروکراسی طویل و اجرای فرمان‌های رهبر ارشد حزب (ریس جمهوری) مجال هر گوه مجرای جهت تصمیم‌سازی را از سوی مردم کره شمالی گرفته است.

عوامل و متغیر اجتماعی: از قبیل فرهنگ سیاسی محدود، عدم آزادی بیان و فعالیت احزاب، نشریه‌ها و مطبوعات و برگزاری انتخابات فرمایشی با تک لیست حزب واحد کمونیست اشاره داشت که تداعی‌گر اصل لنینیستی مدل سانترالیسم دموکراتیک (بر پایه توازن مفروض بین آزادی بحث و گفت‌وگو و وحدت عمل کامل درون حزب واحد) که در کره شمالی حزب کارگران کره با محوریت رهبری کیم ایل سونگ به‌عنوان رئیس‌جمهور دائمی این کشور و بعد از او در سال ۱۹۹۸ شکل نمادین در شخصیت رهبر فقید کیم‌جونگ ایل ابدی شد، نهفته است. این تحولات روند شکل‌گیری تدریجی نوعی امنیت رژیم (امنیت حکومت) که محصول خوی خودخواهی رهبران تمامیت‌خواه طبقاتی شدن جامعه و خودمحوری رژیم و یا حزب حاکم و میزان و حجم تهدیدها و مشکلات ساختاری و بنیادی امنیتی در عرصه داخلی در کشورهای جهان سوم است را در کره شمالی را به‌نمایش می‌گذارد که ناخواسته میان ملاحظات امنیتی مردم و رژیم فاصله ایجاد شده که بعضاً رژیم به‌سوی ایجاد رژیم امنیت ملی حرکت می‌کند. یقیناً رژیم امنیت ملی که از بالا به پایین دیکته می‌شود بسیاری از حقوق اساسی و سیاسی و اولیه مردم آن کشور را محدود می‌سازد (خانی، همان: ۱۵۰). در نتیجه مرجع امنیت واقع‌شدن رژیم حاکم بر آن کشور است و نشان از غیرقابل‌تفکیک بودن عوامل تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیرنده در این نوع حکومت‌ها برخلاف حکومت‌های دموکراتیک است و تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز در واقع یک فرد

مقتدر در رأس هرم قدرت است از سویی دیگر کنگره عمومی کره شمالی الزامات توسعه توان کلاهک‌های هسته‌ای کشور را مطابق با دستورات رهبری کره شمالی به نیروهای مسلح ابلاغ می‌کند. مقامات حکومتی کره شمالی بارها بر نقش حیاتی سلاح هسته‌ای در تأمین امنیت ملی و تدوین استراتژی دفاعی کشورشان تأکید داشته‌اند. نظریه‌پردازان نظامی کره شمالی بر این باورند که سلاح هسته‌ای در جلوگیری از تکرار سرنوشت شوم عراق، افغانستان و لیبی و سوریه به کره شمالی کمک خواهد کرد. به‌علاوه آن‌ها تأکید دارند که کشورشان صلح‌دوست است. ولی آن‌ها خود را برای جنگ آماده می‌کنند. حتی جنگ هسته‌ای در دفاع از صلح جهانی (Mansourov:2014:38).

متغیر جامعه: در کره شمالی مرکزیت تصمیم‌گیری، کمیته مرکزی حزب است که بر همه ارکان حکومتی حاکمیت دارد و اصولاً همه‌چیز و همه‌جا تحت کنترل حزب و کمیته مرکزی حزبی شهرستان‌ها و بخش‌ها و روستاها قرار دارد. آن‌ها از طریق وسایل ارتباط جمعی، صداوسیما، روزنامه‌ها و بولتن‌های محلی و همچنین با سخنرانی در مجالس، به‌ویژه مجالس هنری، به مردم می‌گویند که چگونه رفتار کنند و چه چیزی را باور کنند، چگونه بپوشند و بخورند و حتی چگونه راه روند؛ و هیچ حرکتی حتی در دورافتاده‌ترین نقاط کشور بدون اجازه آن‌ها صورت نمی‌گیرد این مجموعه کنترل‌ها، کره شمالی را به یک پادگان نظامی منظم و با برنامه‌ای ساخته است که در آن همه چیز تحت نظارت مستقیم فرمانده است (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۷۴:۶۳). این کشور به لحاظ سیاسی بسته که میزان اندک آزادی بیان و سطح آزادی ارتباطی و اطلاعاتی با جهان خارج و با توجه به این مهم که در یک فرهنگ سیاسی (محدود-ایدئولوژیکی) که ایدئولوژیک خاصی از طرف دولت تشویق می‌شود که مردم کره شمالی مجبور به پیروی از آن هستند شهروند از نظام سیاسی و داده‌های آن به‌صورت سیاست عمومی (داخلی یا داخلی) کم‌وبیش اطلاع داشته که آن‌هم به علت توسعه‌نیافتگی نهادهای بیان و تجمع خواست‌ها و فقدان جامعه مدنی، قادر به تأثیرگذاری در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نیست. در این نوع از فرهنگ

سیاسی، نخبگان (سیاسی، نظامی، رهبران دیکتاتور) سخنگوی منافع و هدف‌های ملی هستند و سعی دارند برای حقانیت و توجیه سیاست‌های اتخاذشده، آن‌ها را در چارچوب منافع ملی توضیح دهند (قوم، ۱۳۸۸: ۲۸۶). در واقع اینجا ما شاهد شکل‌گیری (امنیت رژیم) در برابر (امنیت ملی) هستیم.

محدورات بین‌المللی و ملاحظات چین - روسیه

دومین عامل تأثیرگذار در تعیین جهت‌گیری امنیتی سیاست خارجی کره شمالی (کشور کوچک عقب‌مانده به لحاظ سیاسی بسته) طبق الگوی جیمز روزنا در رابطه با متغیرهای دخیل در سیاست خارجی این قبیل کشورها یعنی عامل ساختار نظام بین‌المللی است. از منظر دانشمندان واقع‌گرای رفتاری چون والتز، مورتون کاپلان^۲ و روزکرانس^۳ رهیافت کلان به سیاست خارجی که موجب می‌شود محدودرات بین‌المللی به‌عنوان متغیر مستقل و سیاست خارجی کشور را به‌عنوان متغیر واسطه‌ای و مقدورات ملی را به‌عنوان متغیر وابسته درآیند. در واقع این نظریه‌پردازان با تکیه بر سطح نظام بین‌الملل اصولاً بر این مدعا پا می‌فشارند که شاخصه رفتاری کشورها، تابع خروجی حاصل از شکل‌گیری در سطح کلان نظام است. در نگاه کلان، ملزومات ناشی از ساختارها و پوشش‌های نظام به‌طور جبری به‌عنوان ورودی بر دستگاه تصمیم‌گیری واحدهای عضو در نظام بین‌المللی حاکم شده و بدان سبب بر رفتار خارجی آن‌ها اثر می‌گذارد (سیف زاده، همان: ۳۹۳). از جمله طبقه‌بندی‌های صورت گرفته در زمینه انواع سیستم‌های بین‌المللی به لحاظ ساختاری که بیان‌کننده نحوه توزیع قدرت بین واحدها و عناصر شکل‌دهنده به سیستم بین‌المللی است متعلق به مورتون کاپلان است یکی از مهم‌ترین گونه از سیستم بین‌المللی که پس از ۱۹۹۰

^۱Waltz

^۲Kaplan

^۳Rosecrance

تحقق یافت تحول از ساختار نظام بین الملل دوقطبی منعطف به سیستم هژمونیک ارشادی^۱ و تحول به سیستم سلسله مراتب دستوری^۲ یا (هژمونیک) پس از جنگ افغانستان و عراق در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ است که در این سیستم قدرت عمل واحدهای ملی شدیداً کاهش یافته و قدرت هژمون نسبت به سازمان‌های جهانی به گونه‌ای مختلف آن عملاً نقش سیستمی قائل نمی‌شود و در سیستم مذکور تمامی گستره سیستم به عنوان منطقه ژئواستراتژیک هژمون تعریف می‌گردد و ارتباط کارکردی شدیدی بین آن‌ها برقرار می‌خواهد شد؛ بنابراین هرگونه جنبش ضد سیستمی و یا آشوب سازی در مناطق مذکور شدیداً سرکوب خواهد شد. در همین راستا می‌توان به تحلیل رفتار چین و روسیه در برابر سیاست هسته‌ای کره شمالی و رفتار کشور اخیر در برابر فشار سیستم هژمونیک آمریکایی پرداخت. در واقع با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و پایان جنگ سرد، جهان را به لحاظ ساختار قدرتی در یک وضعیت انتقالی قرار گرفت. از یک سو ایالات متحده به عنوان پیروز جنگ سرد، در صدد بود تا نوعی نظم مبتنی بر ثبات هژمونیک را در جهان ایجاد و خود را به عنوان تنها ابرقدرت در جهان معرفی کند. از سوی دیگر روسیه به شدت درگیر مسائل داخلی بود و فرصت قدرت‌نمایی و حضور در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را نداشت. چین به رغم رقابت‌هایی که با ایالات متحده داشت، نه می‌توانست و نه تمایل داشت بر سر منافع غیر حیاتی (مسئله کره شمالی) با آمریکا روبرو شود. برعکس، پیگیری سیاست اصلاحات که پیشبرد آن نیازمند همکاری با غرب از جمله آمریکا بود و نیز بعضی از مسائل مهم از جمله بازگرداندن هنگ کنگ، ماکائو و تایوان به سرزمین مادری اقتضا می‌کرد چین رفتار محتاطانه و مسالمت‌آمیزی را با محیط منطقه‌ای و بین‌المللی خود در پیش گیرد. تحت

^۴ در سیستم هژمونیک ارشادی، قدرت هژمون تلاش می‌کند تا از طریق نفوذی که در سازمان‌های بین‌المللی دارد و نیز با توجه به نظرات دیگر قدرت‌ها اقدام به تأمین منافع و اهداف کسب مشروعیت کند.

^۵ در سیستم دستوری قدرت هژمون بدون توجه به سازمان‌های بین‌المللی و نظر قدرت‌های بزرگ در هر جایی که منافع اش اقتضا کند، به صورت یک‌جانبه عمل می‌کند.

چنین شرایطی، کره شمالی از حمایت پکن نیز محروم شد. این حوادث مصداق این فرضیه رئالیستی بود که در محیط آنارشی بین‌المللی نمی‌توان به دولت‌های دیگر اتکا کرد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۴، ۳۶۲-۳۶۴). در واقع همین عامل ساختاری بود که سرانجام با پایان یافتن دوران جنگ سرد و فروپاشی شوروی، موقعیت کره شمالی مخصوصاً در زمینه هسته‌ای را آسیب‌پذیر کرد و در سال ۱۹۹۲ موافقت‌نامه پادمان‌های آژانس را رسماً پذیرفت. از این رو، مقامات پیونگ‌یانگ در شرایط پیش‌آمده گزینه‌هایی چون مذاکره با آمریکا و حل مسالمت‌آمیز، یا اتخاذ سیاست خودیاری و حرکت به سمت ساخت سلاح هسته‌ای را در پیش گیرند. در همین راستا، پرو انتشار سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۲ مبنی بر در اولویت قرار گرفتن مسائل جنوب شرقی آسیا و حضور آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز و بروز انقلاب‌های رنگی در حوزه نفوذ روسیه و نگرانی روسیه در پیشبرد سیاست‌های خود در برخی از مناطق مهم جهان از جمله شبه‌جزیره کره توسعه روابط سیاسی و اقتصادی در شبه‌جزیره کره از جمله اهداف اصلی در سیاست خارجی مسکو برای اعمال نفوذ بیشتر و تأمین منافع در این منطقه است که جز در صورت ثبات و امنیت محقق نخواهد شد. لذا روسیه به‌مثابه چین نگران تضعیف رژیم عدم اشاعه و گسترش سلاح‌های هسته‌ای به‌وسیله آزمایش‌های موشکی و هسته‌ای کره شمالی است (Martin, 2007: 77).

در واقع با از دست رفتن حمایت مسکو از پیونگ‌یانگ، پکن به‌صورت تنها متحد و حامی حکومت کمونیستی کره شمالی درآمد اما چین به‌عنوان عضو ان‌پی‌تی متعهد به حمایت از عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای یا عدم ارائه کمک‌هایی برای توسعه و انتقال چنین سلاح‌هایی به دولت‌ها و بازیگران غیردولتی است لذا این کشور در مواردی هم نظیر سال ۲۰۰۶ هم‌زمان با آزمایش هسته‌ای کره شمالی از اعمال تحریم‌ها در چارچوب قطعنامه ۱۷۱۸ حمایت کرد (Shen, 2006: 59). در مجموع، چین مسلح شدن به سلاح هسته‌ای کره است که با زیر پا گذاشتن رژیم عدم اشاعه امنیت محیط امنیتی پیرامونی چین زمینه‌ای که تداوم رشد اقتصادی این کشور ضروری است را تضعیف کند (Glaser, 2008: 173).

از طرفی نگرانی چین و روسیه از افزایش تهدید هسته‌ای کره شمالی، به دلیل مشخص نبودن سرنوشت زرادخانه‌های این کشور در صورت وقوع هرگونه رویدادی از جمله جنگ تغییر رژیم و درگیری هسته‌ای با آمریکا بر اثر بی‌ثباتی و ناامنی سیاسی و اقتصادی احتمالی ناشی از آن در منطقه شبه‌جزیره است. لذا این دو کشور مذاکره را بهترین راه‌حل جهت حل و فصل مناقشات هسته‌ای این کشور با غرب به‌ویژه آمریکا دانسته و در این جهت دو کشور به همکاری و حمایت و مشارکت در قالب گفتگوهای شش‌جانبه و اقدام به میزبانی از آن کرده‌اند.

از نظر جمیز روزنا کشورها و کارگزاران سیاست خارجی در فضای جهانی‌شدن از الگوهای رفتاری زیر تبعیت می‌کنند: الف) دولت‌های قدرتمند و ناراضی که سیاست تحول وضع موجود و سیاست تبدیل جهانی‌شدن را به پروژه‌ای در خدمت منافع و آمال خود را در پیش می‌گیرند از جمله همراهی کشورهای چین و روسیه در قالب سیاست بده‌بستان و در مشروعیت بخشی اعمال خود در دیگر نقاط جهان جستجو کرد (قاسمی: ۴۳۸). هر دو کشور در دهه‌های پس از استقلال و انقلاب خود یعنی روسیه از سال (۱۹۸۹) و چین در سال (۱۹۷۹)، استراتژی " تغییر وضع موجود" را به استراتژی " تغییر منزلت خود در درون وضع موجود" تغییر داده‌اند (سیف زاده ب، ۱۳۸۹: ۳۱۳). دولت‌های کوچک و ناراضی همانند کره شمالی نیز با رویکردی تقابلی جویانه برای تغییر وضع موجود به روابط بین‌الملل روی آورده‌اند. این دسته از کشورها، بیشتر از اعتلای قدرت و منافع ملی کشور خود شاهد لذت رهبران از کام‌جویی بحران‌ساز برای غرب‌اند. کره شمالی و کوبا از زمره کشورهایایی هستند که مقدمات ملی و محذورات بین‌المللی را مورد توجه قرار نمی‌دهند. در این کشورها رهنمودهای شخصیت‌فرهمنده پیشوایی در کشور مبنای تصمیم‌گیری است و شخص تصمیم‌گیر مستقل از نظام‌های تصمیم‌ساز عمل می‌کند (همان: ۳۱۶). هرچند به دلیل حاکم بودن سیستم تک‌حزبی در این کشور فرایند تصمیمات دموکراتیک منتفی است.

ملاحظات امنیتی و سیاست خارجی کره شمالی

از بین رفتن نظام بین‌الملل دو قطبی بسیاری از قواعد و مناسبات بین‌المللی را دستخوش تحول اساسی کرد که در رأس همه جایگزینی ملاحظات اقتصادی و تجاری به جای اولویت‌های امنیتی و ایدئولوژیکی بر تعاملات بین‌المللی قرار داشت؛ کره شمالی که تا پیش از فروپاشی بلوک شرق اهمیت صرفاً واجد اهمیتی راهبردی در روابط میان دو ابرقدرت داشتند اهمیت و نقش آفرینی خود را از دست داد. این تغییر و تحولات رژیم کمونیستی کره شمالی را به تلاش برای تولید و ساخت تجهیزات و تسلیحات نامتعارف به عنوان انتخاب استراتژیک واداشت تا به مدد آن بتواند بر بحران‌های متعدد پیش روی خود غلبه و ادامه حاکمیت سلطنت کمونیستی آن کشور را تضمین کند به باور جمعی از تحلیل‌گران کارکرد تسلیحات هسته‌ای برای دولت پیونگ‌یانگ، ارتقای جایگاه و موقعیت بین‌المللی آن کشور و افزایش توان چانه‌زنی است تا جامعه جهانی را مجاب به اعطای امتیازات چشمگیر به پیونگ‌یانگ درازای توقف فعالیت‌های اتمی آن کشور کند. محوری‌ترین مطالبه زمامداران از جامعه بین‌المللی اعطای کره تضمین‌های امنیتی و تعهد به عدم تجاوز نظامی برای ساقط کردن رژیم کمونیستی حاکم بر کره شمالی است (سهراب‌لو، ۱۳۸۸: ۲۶). از سوی دیگر روز کرانس بیان می‌دارد که عرضه منابع در سیستم یا توان سیستم در فراهم ساختن منابع کافی قدرت موردنظر از جمله عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نوع الگوهای رفتاری است. بدین ترتیب برای جلوگیری از بروز بی‌نظمی بین‌المللی بازیگران بایستی اهداف خود را تعدیل سازند (قاسمی: ۸۳). این منابع قدرت عبارت‌اند از: منابع سرزمینی، منابع ایدئولوژیکی، منابع اقتصادی و مهم‌ترین آن یعنی منابع امنیتی. منابع امنیتی اشاره به اصل منافع حیاتی و درجه اول که همان امنیت و اصل بقاء مطابق دیدگاه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل و پیش‌شرط حصول به کلیه هدف‌های ملی در جهت کسب قدرت باشد یا حفظ استقلال تلقی می‌شود (قوام، ۱۳۸۸: ۳۵۹). در صورتی که سیستم خواهان ایجاد نظم بین‌المللی و شکل بخشیدن به الگوهای رفتاری

صلح‌آمیز است بایستی دولت‌ها را از درگیر شدن در فعالیت‌های ایجادکننده آشوب بازدارد و همچنین با تدارک منابع (من جمله اقتصادی، سرزمینی، امنیتی و ایدئولوژیکی) به صورت کافی بین بازیگران از بی‌نظمی سیستمی جلوگیری کند (قاسمی، همان: ۸۴).

درواقع منبع ایجاد الگوهای رفتاری ستیزشی در روابط بین‌الملل ناشی از منافع متعارضی است که بر اثر عدم کارکرد مطلوب سیستم بین‌الملل در توزیع و تدارک منابع کافی قدرت برای بازیگران است که باعث ایجاد عوامل آشوب ساز و بی‌نظمی را در کل سیستم را در پی دارد. به لحاظ ساختار نظام بین‌الملل از آنجا که کره شمالی در طول حیات سیاسی خود همواره در معرض تهدیدهای آمریکا بوده، لذا این احساس تهدید (احساس عدم امنیت) در کنار عدم اعتماد این کشور به متحدان خود یعنی روسیه و چین و نگرانی این دو کشور روسیه از افزایش تهدید هسته‌ای کره شمالی، به دلیل مشخص نبودن سرنوشت زرادخانه این کشور در صورت وقوع هرگونه رویدادی از جمله جنگ، تغییر رژیم و درگیری هسته‌ای با آمریکا که در نتیجه موجب بی‌ثباتی و ناامنی سیاسی و اقتصادی احتمالی ناشی از آن در منطقه شبه جزیره شده، مهم‌ترین عامل در حرکت این کشور به سمت هسته‌ای شدن بوده است (شفیعی، ۱۳۸۶: ۴۷). در همین راستا، برخی از مفسران سیاسی نظیر نارانگ عقیده دارند که رفتار کره شمالی در زمینه آزمایش‌های متنوع هسته‌ای، بیشتر با اهداف چهارگانه راهبردی صورت می‌گیرد که عبارت‌اند از:

- به دست آوردن امتیازات دیپلماتیک و سیاسی بین‌المللی
- بین‌المللی کردن بحران کره شمالی و کشاندن چین به عنوان میانجی گر در اختلافات میان پیونگ‌یانگ - واشنگتن
- راهبرد تلافی و دفع هرگونه حملات تهدیدکننده
- راهبرد جنگ هسته‌ای به عنوان راه میان بری برای پوشاندن ضعف متعارف خود در برابر کره جنوبی و ایالات متحده آمریکا (Narang, 2014).

پیامدهای رویکرد امنیتی کره شمالی در سیاست خارجی

جامعه بین‌المللی دو استراتژی عمده رویارویی با دولت‌های یاغی در اختیار دارد که عبارت‌اند از: مهار و سازش. سیاست مهار^۱ تداوم یک سیاست خاص در برابر برخی از دولت‌ها در دوران جنگ سرد به شمار می‌آید. یکی از موارد مهم این سیاست عبارت‌اند از: از اعمال تحریم، اقیاع‌سازی و روش پیشنهادی دیگر برای به راه آوردن دولت‌های یاغی، آن است که با دادن پاداش‌های مادی آن‌ها را تشویق به پذیرفتن خواسته‌های جامعه بین‌المللی کنند (گریفتس، همان: ۵۳۸-۵۳۹). کره شمالی در سال ۲۰۰۳ اعلام کرد که این کشور در حال خارج شدن از پیمان عدم اشاعه است. در همین راستا اقدامات تنبیهی-کنترلی اتخاذشده از سوی جامعه بین‌الملل در قالب کنسرت قدرت‌های دارای حق وتو شورای امنیت در جهت ایجاد تغییراتی محسوس در رفتار کره شمالی برای بازگشت این کشور به ان‌پی‌تی و پذیرش بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و انهدام تدریجی سلاح هسته‌ای‌اش و در نتیجه حفظ رژیم امنیت بین‌المللی عدم اشاعه، اعمال شد. باین حال، مهم‌ترین پیامدهای سیاست خارجی کره شمالی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی عبارت‌اند از:

پیامدهای داخلی: ایجاد حس غرور ملی و حل معمای امنیتی و بقاء در سایه تهدیدات آمریکا از طریق دستیابی به سلاح هسته‌ای؛ ایجاد توازن قوای هسته‌ای و تحکیم نظام سیاسی خود مطابق آموزه‌های ایدئولوژیک و خوداتکا محور مکتب جوچه؛ انزوای بیشتر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به وسیله تحریم‌های پی‌درپی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد؛ سرکوب بیشتر مردم و نقض حقوق بشر در سایه دستیابی به سلاح هسته‌ای با حفظ ساختار تحریم‌ها؛ شکل‌گیری امنیت رژیم در برابر امنیت مردم و تضییع حقوق اساسی و سیاسی و اولیه مردم؛ افزایش قدرت چانه‌زنی کره شمالی در تعاملات منطقه‌ای و جهانی

^۱Containment

در مذاکرات هسته‌ای با آمریکا که پایه مذاکرات این کشور در سال‌های حکومت دوران کیم جونگ اون را تشکیل می‌دهد و همچنین تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی-مالی و ریاضتی که در جهت تغییر رفتار رهبران کره شمالی بر مردم این کشور تحمیل می‌شود. به طوری که در قطعنامه ۱۶۹۵ ۱۵ ژوئیه سال ۲۰۰۶ و قطعنامه ۱۷۱۸ مورخ ۱۴ اکتبر ۲۰۰۶، در قالب فصل هفتم، ماده ۴۱ منشور ملل متحد و سال ۲۰۰۹ قطعنامه ۱۸۷۴ در پی دومین آزمایش انفجاری زیرزمینی کره شمالی توسط شورا امنیت به اتفاق آراء تصویب کرد. از آن سال به بعد مهم‌ترین قطعنامه‌های مربوط به کره شمالی قطعنامه ۲۰۹۴ شورای امنیت در سال ۲۰۱۳ است. کره شمالی در طی سال سومین آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد. به طور کلی برنامه هسته‌ای کره شمالی نوعی دستیابی به یک برگ برنده با ارزش و ابزار باج‌گیری به منظور به دست آوردن امتیازات دیپلماتیک است (Lankov, 2013: 149). هرچند پیش‌تر قطعنامه‌هایی در سال‌های ۲۰۱۰ (۱۹۲۸)، ۲۰۱۱ (۱۹۵۸)، ۲۰۱۲ (۲۰۵۰) و قطعنامه ۲۰۱۴ (۱۲۴۱)، ۲۰۱۵ (۲۲۰۷) تصویب شده بودند که در هر کدام از این قطعنامه بر اجرای دقیق مفاد قطعنامه‌های پیشین اشاره و سازوکارهایی که باید توسط کشورهای طرف تحریم در قابل کره شمالی رعایت کنند و بیشتر پرجنبه نظارتی و الزامی تأکید شده دارند. با این حال در جولای ۲۰۱۶ نیز رهبران کره شمالی اقدام به آزمایش هسته‌ای دیگری در منطقه شرق آسیا کردند. در سال ۲۰۱۷ نیز کره شمالی ششمین و قوی‌ترین آزمایش خود را که بمب هیدروژنی با قابلیت نصب بر روی موشک‌های بالستیک قاره‌پیما^۳ را با موفقیت آزمایش کرد (Davenport, 2020). در پی آن قطعنامه ۲۳۷۱ شورای امنیت سازمان ملل به اتفاق آراء به تصویب رسید و هرگونه صادرات مواد غذایی، آهن و زغال‌سنگ به کره شمالی ممنوع اعلام شد. پس از آن نیز قطعنامه‌های ۲۳۷۵ و ۲۳۹۷ نیز در سال ۲۰۱۷ به تصویب رسید. در اول ژانویه ۲۰۱۸ نیز اون، رهبر کره شمالی از ساخت موشک قاره‌پیمایی

¹ UN Document: S/RES/1695

² UN Document: S/RES/1718

³ Intercontinental Ballistic Missile (ICBM)

خبر داد که می‌تواند ایالت‌های آمریکا را هدف قرار دهد در همین سال بود که مذاکرات میان ترامپ و اون آغاز شد که نتیجه‌ای در پی نداشت و پیونگ‌یانگ هرگونه خلع سلاح را غیرعملی دانست (Davenport, 2020). البته رهبران کره شمالی سال‌ها آمادگی خود را جهت کاهش و محدود کردن توانایی هسته‌ای و توانمندی ساخت موشک‌های قاره‌پیمای در قبال دریافت کمک‌های غذایی، دریافت سوخت و انرژی و برداشته شدن تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی اعلام کرده و گام‌هایی را برداشته‌اند ولی این مسیر به سمت خلع سلاح کامل کره شمالی منجر نشده است (Sanger, 2009). این رویکرد به سبب آن است که با صدور قطعنامه‌های متعدد از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد از سال ۲۰۰۶ تاکنون سطح زندگی مردم عادی در کره شمالی را در بدترین وضعیت معیشتی قرار گرفته است.

پیامدهای منطقه‌ای: تغییر ماهیت تعاملات منطقه از وجوه اقتصادی - تجاری به امنیتی و کاهش تمایل روند سرمایه‌گذاران خارجی در منطقه ممکن است موجب روند معکوس سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه خارجی و داخلی، کاهش نرخ ارز کره جنوبی وین ژاپن در دوران بحران هسته‌ای را می‌توان از جمله پیامدهای منطقه‌ای سیاست خارجی کره شمالی برشمرد (USGS, 2006). همچنین تغییر موازنه قوا از طریق افزایش تعداد قدرت‌های دارنده سلاح هسته‌ای در روابط بین‌الملل و در مقایسه با محور آمریکا، کره جنوبی و ژاپن در شرق آسیا، تغییر مسابقه تسلیحاتی از متعارف به هسته‌ای، تصمیم ژاپن به توسعه سلاح هسته‌ای و در نهایت ایجاد یک سازوکارها ثبات‌بخش امنیت منطقه‌ای در شرق آسیا از سوی کشورهای منطقه باهدف محدود کردن جاه‌طلبی‌های کره شمالی و جلوگیری از ایجاد مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای (سیاست اعلی) در منطقه‌ای که پیش‌تر ماهیت و پویای تحول‌آتش از جنس اقتصادی و تکنولوژیکی (سیاست سفلی) بود، از جمله این پیامدها است.

پیامدهای بین‌المللی: به گفته پوچالا^۱ و هاپکینز^۲ رژیم‌های بین‌المللی از جمله رژیم امنیتی و سیاسی عدم اشاعه که مجموعه‌ای از اصول و قواعد و هنجارها و رویه‌های تصمیم‌گیری است که انتظارات بازیگران در آنجا تلافی نموده و به کنش‌های سیاسی بازیگران معنا و مفهوم داده و رفتار مشارکت‌کنندگان را تنظیم کرده و رفتارهای مشروع و نحوه حل تعارضات در عصر هسته‌ای را جهت حل معمای امنیتی را شکل می‌دهند. از نظر کوهن^۳ نهادگرایی نو لیبرال، به دلیل وجود عواملی چون فقدان حکومت جهانی، فقدان یا ضعف اطلاعات و بالا بودن هزینه مذاکرات، رژیم‌ها می‌توانند توانایی واحدها را در انجام توافقات سودمند از جمله رژیم عدم اشاعه که سازوکار کنترلی در رابطه با صلح و امنیت بین‌المللی است را بهبود بخشند. لذا کشورها سود عضویت در این رژیم‌ها را بیش از هزینه‌های ناشی از عدم عضویت در آن می‌دانند (قاسمی: ۴۶۷). کره شمالی با عمل خروج از معاهده عدم اشاعه و اخراج بازرسان آژانس و آزمایش سلاح هسته‌ای در سال ۲۰۰۶ عملاً موجب تضعیف ان‌پی‌تی و تعهد کشورها به این معاهده شد که مربوط به مسائل حیاتی کشورها یعنی صلح امنیت بین‌المللی است. این امر موجبات تقویت آپارتاید هسته‌ای نزد دول دارنده سلاح هسته‌ای و محروم‌سازی دولت‌هایی خواهان استفاده صلح‌آمیز از آن شده و خطر تروریسم هسته‌ای را نزد دولت‌ها را افزایش داده است. پیامد دیگر تغییر رویکرد ایالات متحده آمریکا به موضوع خروج از ان‌پی‌تی پس از حادثه خروج بدون ضابطه کره شمالی از پیمان عدم اشاعه است. ایالات متحده آمریکا به دنبال پیشنهادی به سازمان ملل متحد در رابطه با حذف یکی از بندهای اصلی کنوانسیون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند اصرار دارد ماده ۱۰ ان‌پی‌تی که خروج کشورهای عضو این کنوانسیون را مجاز می‌داند از متن معاهده حذف شود. در صورت تصویب این اصلاحیه هیچ‌یک از کشورهای عضو معاهده حق خروج از این قرارداد را نخواهند داشت. این اقدام

¹ Puchala

² Hapkeizze

³ Keohane

آمریکا در کنار ارائه پروتکل الحاقی دوم اقدامی است که فناوری هسته‌ای را به صورت انحصاری در اختیار کشورهای معدودی قرار می‌دهد؛ و از دستیابی دیگر کشورهای جهان به این فناوری خودداری خواهد کرد. بر اساس پروتکل دوم کشورهایی که تاکنون به فناوری کامل چرخه سوخت هسته‌ای دست نیافته‌اند متعهد خواهند شد که غنی‌سازی را متوقف و سوخت هسته‌ای را تنها از کشورهای صنعتی و دارای فناوری هسته‌ای خریداری کنند (Fars News Agency:2013). پیامد دیگر بحران، تغییر موازنه قوا به نفع محور روسیه - چین بود. به بیان دیگر، دو کشور از وزن استراتژیک کره شمالی در چانه‌زنی‌های بین‌المللی با آمریکا استفاده کرده و در مقابل این امر موجب افزایش حضور نظامی آمریکا در شبه‌جزیره کره شد. تهدید آمریکا از سوی کره شمالی باعث واکنش امنیتی - نظامی از سوی این کشور و توجیه افزایش حجم حضور نظامی خود در آسیای خاوری و شبه‌جزیره کره شد. همچنین آمریکا تلاش دارد به مرزهای چین نزدیک شود و ایجاد پایگاه نظامی در استرالیا و توجیه حضور در منطقه‌ای خلیج فارس نیازمند فضا سازی مناسب امنیتی - نظامی در افکار عمومی در دو سطح نخبگان و توده‌های مردم است. از این جهت تلاش ایالات متحده در جهت مدیریت امنیتی سیستم هژمونی مرکب در چارچوب نظم تک - چندقطبی است که در آن به نقش قدرت‌های بزرگ (چین - روسیه) و نیاز به همکاری در اداره مسائل سیاست بین‌الملل از جمله (کره شمالی) صحنه گذاشته است. به طور کلی، آمریکا در ایجاد سیستم آرمانی هژمونی تک‌قطبی بسط دوره بوش است که در سایه این نظریه آمریکا نگاهش را به سمت نئوهارتلند (از شمال آفریقا تا تبت) متمرکز خواهد کرد تا ضمن حفظ هارتلند سفلی (خلیج فارس) به کنترل و تحدید نفوذ خود در هارتلند علیا (تبت) چین پردازد که همخوانی بیشتری هم با سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۲ با عنوان قرن بیست و یکم (قرن آسیا) دارد.

نتیجه گیری

در این نوشتار سعی شد تا با تکیه بر ترکیبی از نظریات خرد (عوامل داخلی مقدرات ملی) و کلان (محدورات بین‌المللی، ساختار نظام بین‌المللی) در قالب نظریه پیوستگی جمیز روزنا جهت‌گیری سیاست خارجی کره شمالی که در قالب کشورهای کوچک عقب‌مانده بسته قرار می‌گیرد به مجموعه علل و عوامل اتخاذ رویکرد امنیتی خوداتکا از جانب این کشور که مشخصه بارز آن در سال ۲۰۰۶ با آزمایش اولین بمب هسته‌ای به منصف ظهور رسید مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در واقع جهت بررسی قانونمندی‌های رفتاری کشورها در روابط بین‌الملل از جمله کره شمالی باید به مختصات نظام سیاسی یک دولت از لحاظ ساختاری و رفتاری که نقش مهمی در شیوه تبیین منافع، استراتژی‌ها و هدف‌های ملی ایفا می‌کند توجه داشت. در واقع مجموعه عوامل مهم به لحاظ اهمیت تأثیرگذاری هر یک در شکل‌گیری رفتار ستیزشی کره شمالی به ترتیب عبارت هستند از ویژگی‌های فردی رهبری کره شمالی، سیستم (ساختار نظام بین‌الملل تک‌قطبی)، نقشی (میزان اختیارات رهبر حزب)، حکومتی (دیوان‌سالار تک‌حزبی با رهبر اقتدارگرا)، عوامل اجتماعی (از جمله نبود جامعه مدنی، احزاب و فرهنگ سیاسی محدود و ایدئولوژیک زده در یک جامعه کاستی که فاقد هرگونه فرصت و امکان مشارکت و قدرت تأثیرگذاری بر روند سیاست‌گذاری کشور است) و اتصال این عوامل با مجموع عوامل ساختاری تعیین‌کننده بین‌المللی مانند احساس تهدید جدی نظام سیاسی کره شمالی از سوی آمریکا که برای مدت‌های مدیدی بقاء این دولت را نشانه رفته بود با احساس عدم اعتماد به متحدان خود یعنی روسیه و چین که در آغاز ورود به قرن ۲۱ سیاست هم‌نوایی با هژمون نظام را در پیش گرفته بودند همگی عوامل و بسترهای داخلی شکل‌دهنده به نوع رفتار این کشور در عرصه بین‌المللی بوده است. یکی از اولین نشانه‌های تأثیر عامل ساختاری نظام بین‌الملل بر رویکرد کره شمالی با پایان یافتن دوران جنگ سرد برای دول کوچک بدون متحد مؤید این فرضیه رئالیستی بود که در محیط آناارشی بین‌المللی نمی‌توان به دولت‌های دیگر اتکا کرد و موقعیت برتر

آمریکا در شرایط شکل‌گیری نظم نوین بوش (پدر) بود که موضع کره شمالی به‌ویژه در زمینه سیاست هسته‌ای آسیب‌پذیرتر شد. به شکلی که در سال ۱۹۹۲ موافقت‌نامه پادمان آژانس را رسماً پذیرفت. از سوی دیگر توزیع نامتوازن سیستمی منابع قدرت (منبع امنیت) برای بازیگران کوچک‌تر و سیاست محروم‌سازی از سوی آمریکا به‌جای انعطاف در مذاکرات که باعث شکل‌گیری الگوهای رفتاری ستیزشی از سوی کره شمالی و حرکت به سمت ساخت سلاح هسته‌ای می‌باشند. به‌عبارتی دیگر، منبع ایجاد الگوهای رفتاری ستیزشی در روابط بین‌الملل ناشی از منافع متعارضی است که بر اثر عدم کارکرد مطلوب سیستم بین‌الملل در توزیع و تدارک منابع کافی برای بازیگران است که باعث ایجاد عوامل آشوب‌ساز و بی‌نظمی را در کل سیستم را در پی دارد و از آنجایی که محیط سیستمی تنها مقدار ثابتی از منابع را در اختیار کشورها قرار می‌دهد تمامی کشورها نمی‌توانند تقاضاهای خود را برآورده سازند. بدین ترتیب برای جلوگیری از بروز بی‌نظمی بین‌المللی بازیگران بایستی اهداف خود را تعدیل سازند.

پیرو نظریه پیوستگی مجموعه عوامل داخلی و محیطی به ترتیب (ویژگی شخصیتی رهبران، سیستمی، نقش، حکومتی، جامعه) در روند شکل‌گیری سیاست خارجی کره شمالی به‌عنوان کشور کوچک، عقب‌مانده و بسته، باعث شده که کشور مذکور به سمت سیاست خودیاری در شکل آزمایش هسته‌ای حرکت کند. لذا تغییر سیاست ابرقدرت مداخله‌گر در منطقه، هم‌زمان با روی کار آمدن بوش و رویکرد او در قبال توافق‌نامه هسته‌ای با کره شمالی و رد درخواست آن کشور برای خارج کردن مذاکرات از بن‌بست (تعدیل مواضع)، درازای امضای پیمان عدم تجاوز با آمریکا، از سوی مقامات آمریکا (عدم تعدیل مواضع) و محور شرارت واقع شدن آن کشور و فضای بی‌اعتمادی حاکم بر پویش مذاکرات هسته‌ای دو کشور به لحاظ الزامات واقع‌گرایی ساختاری اصل سیاست خودیاری جهت حفظ و بقای نظام سیاسی خود را در محیط آنارشی روابط بین‌الملل را به مقامات پیونگ‌یانگ دیکته کرد. این کشور با پیگیری اصل حصین سیاست خوداتکایی به معضل امنیتی خود با

ساخت بمب اقدام کرد و از آنجایی که تأثیرگذاری متغیرهای فردی بر فرایند تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی بیشتر از تصمیم‌گیری در شرایط عادی و برنامه‌ریزی شده است و تصمیم‌گیرندگان در زمان بحران با تهدید شدید و غافلگیری و محدودیت زمانی برای پاسخگویی مناسب روبه‌رو هستند در چنین شرایطی به علت عدم وجود پاسخ‌ها و سیاست‌های از پیش برنامه‌ریزی شده و ضرورت پاسخ موردی و خاص نقش افراد مؤثرتر به‌ویژه در نظام‌ها سیاسی دیکتاتوری و تمامیت‌خواه که نقش رهبران در آن پررنگ‌تر است در نهایت با پاسخ سریع رهبر پیونگ‌یانگ به بحران خلأ امنیتی، ساخت بمب اتم در نهم اکتبر ۲۰۰۶ بود. اتخاذ رویکرد امنیتی در سیاست خارجی کره شمالی، حاصل تلاقی مجموعه عوامل داخلی و خارجی در محیط متشنج شکل‌گرفته و بعد از ۱۹۹۱ که سقوط شوروی و ظهور نظام تک‌قطبی بین‌الملل به رهبری آمریکا (ساختاری) را در پی داشته و هم‌زمان با درگذشت رهبر مؤسس کره شمالی کیم‌سونگ ایل در ۱۹۹۴ و همراه شدن این تحولات با فقدان توزیع سیستمی منابع قدرت به‌ویژه منابع امنیتی و تهدیدهای پی‌درپی کره شمالی از سوی آمریکا و تحول نظام بین‌الملل از هژمونی-ارشادی به هژمونی-دستوری (حمله به عراق ۲۰۰۳) در زمان کیم جونگ ایل سیاست این کشور را به سمت حرکت در مسیر ساخت سلاح هسته‌ای هموار کرد و نیز در هنگامه رهبری کیم جونگ ایل نیز دنیا شاهد حمله آمریکا و متحدانش در نظام تک-چندقطبی هژمونیک به لیبی در سال ۲۰۱۱ که پس از برچیده شدن تأسیسات هسته‌ای این کشور همراه بود که سیگنال‌های لازم را به رهبر جوان این کشور یعنی کیم جونگ ایل در جهت تثبیت رویکرد رهبران پیشین کشورش در زمینه امنیت و بقاء از طریق تقویت توان قابلیت‌های هسته‌ای را دیکته کرده است.

منابع

- دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی (۱۳۷۴)، مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، کره شمالی - گریفیتس، مارتین و تری اوکلاگان (۱۳۸۸)، مفاهیم کلیدی در روابط بین‌الملل، ترجمه: محمد امجد، انتشارات میزان، چاپ اول
- ادوارد ای آرزو، چونگک - مون (۱۳۷۹)، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبرد پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالله، خانی (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت؛ چاپ موسسه ابرار معاصر ایران، تهران.
- بیلیس، اسمیت و جان استیو (۱۳۸۴)، جهانی‌شدن سیاست، روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، انتشارات ابرار معاصر تهران.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۹)، اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، تهران، چاپ ششم، میزان.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴)، اصول روابط بین‌الملل، نشر میزان، تهران.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، سمت، تهران
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۳)، سیاست‌شناسی، مبانی علم سیاست، سمت، تهران.
- شفیعی، نوذر (۱۳۸۶)، «قبل و بعد از آزمایش هسته‌ای کره شمالی: مدلی برای دیپلماسی هسته‌ای ج.ا. ایران»؛ نمای راهبردی، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، سال پنجم، ش ۲. ش پیایی ۶۵-.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۳) جامعه‌شناسی سیاسی، (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی) انتشارات نشر نی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سمت، تهران.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)، «دموکراسی، دیکتاتوری و مسئولیت ملت»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۶۸-۶۷، سال هفتم.
- سهراب لو، پدرام (۱۳۸۸)، «بازسازی اعتماد به نفس آسیب‌دیده کره شمالی»، مجله گزارش، سال ۱۳۸۸، شماره ۲۱۰

- یورگن، شفر (۱۳۸۶)، سفر به دیسنی لند سوسیالیستی؛ ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی؛ روزنامه هم‌میهن؛ ۱۲
- نیازمند، علیرضا (۱۳۹۸)، وعده‌های تحقق‌نیافته منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و چالش‌های پیش‌رو؛ تلاش برای بقاء یا فروپاشی تدریجی؟ فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۱۶. شماره ۱.
- Bracken,paul(2003),the structure of the second nuclear age, Orbis,summerpp399-413
- Congressional Research Service (2009), july23, North Korea, s Secend Test: impecations of U.N Security Council Resolution 1874. Retreived December 13, 200 George Bunn and John Rhinelande, The Right to withdraw from the NPT:ArticleX IS not unconditional•Disarmament Diplomacy,NO.79
- Davenport, Kelsey, (2020).of U.S- North Korean Nuclear and Missile Diplomacy NorthKorea. The World Factbook (2005), Central Intelligence Agency, 2009.
- Davenport,Kelsey (2020July),Chronology of U.S.-North Korean Nuclear and Missile Diplomacy,available at: <https://www.armscontrol.org/factsheets/dprkchron>
- Fars News Agency (2013).
- Famine may have killed 2 million in North Korea" CNN, (1998).
- Glaser,Bonnie S,Liange Wang(2008), North Korea: The Beginning of a China-Us Partnership? The Washington Quartery, Vol 31. No.3
- Lankov, Andrei (2013) The North Kores: Life and Ploitics in the Failed Stalinist Utopia" (New York: Oxford University Press.
- Martin, Curtis H.(2007), Good Cop/Bad Cop as a Model for Non proliferation Diplomacy Toward North Korea and Iran,Non Proliferation Review, Vol 14.No.1.
- Narang, Vipin, (2014)"Nuclear Strategy in the Modern Era: Regional Powers and International Conflict, Published by: Princeton University Press.
- Norris, Robert & Kristensen, Hans,(2005) (North Korea s Nuclear Program, 2005), Bulletin of Atomic Scientists, May/June (2005),Vol.61, No.3.
- Shen, Dingli (2006). Can,sanctions stop proliferation?The Washington Quarterly, Vol 31.No.3.
- Official webpage of the DPR of Kiorea 2020.
- Adopted by Security Council of United Nations 1950-2015 April9,Avialiable at: [http:// fas. Org/sgp/ crs/nuke/R40684.Pdf](http://fas.Org/sgp/crs/nuke/R40684.Pdf).
- Rosenau, james N (1971)The Scientific Study of Foreign Policy (New York: The Free Press1971),pp.145-66.

Mansourov, Alexandre "Kim Jong Un's Nuclear Doctrine and-Sanger, David, (2009), "US Weighs Intercepting North Korea Shipments" New York Times, June, 2009.

Strategy: What Everyone Needs to Know", NAPSNet Special Reports, December 16, 2016, Available at: http://nautilus.org/napset/napsnet_special-reports/kim-jong-uns-nuclear-doctrine-and-strategy-what-everyone-needs-to-know

Telegraph(2013/dec/17), Kim Jong-un: 10 ways North Korea's 'Dear Leader' is different , available at:

https://secure.telegraph.co.uk/customer/secure/checkout/?productId=nyytq4zthbvwsoliojugwyzmyzha3dt&offerId=free1-3x1-website-monthly-ZG340&campaignId=018A&ICID=int_overlay_aem_hard_subscribecta_anon--var--hard--overlay&redirectTo=https%3A%2F%2Fwww.telegraph.co.uk%2Fnews%2Fworldnews%2Fasia%2Fnorthkorea%2F10522136%2FKim-Jong-un-10-ways-North-Koreas-Dea-Leader-is-different.html

UN Document: S/RES/1695, date 15 July (2006), Retrieved December 17, (2009), available at: <http://www.un.org/Docs/sc/UNSC-resolution06.htm>. UN Document: S/RES/1718, date 14 October (2006), Retrieved December 17, 2009 available at: <http://www.un.org/Docs/sc/UNSC-resolution06.htm>. Accessed on: 2015/8/8

UN Document: S/RES/1874, date 14 June (2009), Retrieved December 17, 2009, Available at: <http://www.un.org/Docs/sc/UNSC-resolution09.htm> Accessed on: 2015/8/7

United States Geological.org(USGS), Survey(2006), Available at:<http://Wikipedia.org> Accessed on:2015/10/9.